

متن پرسش

سلام استاد داستانی مینوسم وبعدسوالم را داستانی شگفت از شیخ رجبعلی خیاط فرزند این عارف بزرگوار در گفت و گویی با کیهان فرهنگی می گوید: پدرم با چشم برزخی چیزهایی می دید که دیگران نمی دیدند. یکی از دوستان پدرم می گفت: یک روز با جناب شیخ به جایی می رفتیم، یکدفعه من دیدم جناب شیخ با تعجب و حیرت به زنی که موی بلند و لباس شیکی داشت نگاه می کند! از ذهنم گذشت که جناب شیخ به ما می گوید: چشمتان را از نامحرم برگردانید و حالا خودش اینطور نگاه می کند! فهمید. گفت: تو هم می خواهی ببینی که من چه می بینم؟ ببین "من نگاه کردم دیدم همینطور از بدن آن زن، مثل سرب گداخته، آتش و سرب مذاب به زمین می ریزد و آتش او به کسانی که چشم هایشان به دنبال اوست سرایت می کند. جناب شیخ گفت: این زن راه می رود و روحش یقه مرا گرفته، او راه می رود و مردم را همین طور با خودش به آتش جهنم می برد. -----

استاد ساکن تهران هستم (حالا جاهای دیگرم تقریباً همینطور) استاد چشم راکه پایین میاندازم خطورات و تاثیرات آن هست چه برسه به نظرفقه که اولین نگاه بدون ریه اشکالی نداره ولی استاد مانع سلوکم شده (متوجه شدم و دیدم) استاد به اون مرحله هم نرسیدم که به تعدادی گفتم دواپی دادند ولی فایده ای ندارد مگه می شود گفت هواعالی است در صورتی که هوا آلوده است استاد مطالب شماراهم دیدم ولی نمی دانم چه راهکاری است (مترو و خیابان وامربه معروف!! رفتن کار فرهنگی!!). استاد اگر جوابی ندارید برای این حقیراگردعاهم کنید برایم کافی است... التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که آیت الله بهجت «رضوان الله علیه» می فرمایند: «آمدن خطورات در دست شما نیست ولی دنبال کردن آن در اختیار شما است» شما خطوراتی که در آن چنان شرایط ظهور می کند را استقبال نکنید و ذهن خود را متوجه امور معنوی کنید بعد از مدتی متوجه قدرت فوق‌العاده‌ی خود در ذیل شریعت الهی در دفع خطورات خواهید شد. بنده دعاگوی جنابعالی هستم.

موفق باشید